

سرشناسه: حسینی نژاد، سیدعلی اصغر، ۱۳۲۵ -
معاون و نام پدیدآور: از کلاگا تا عمارت/نویسنده علی اصغر حسینی نژاد.
مشخصات نشر: کرج: پیدار، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۴۸ص: مصور، عکس، جدول، نمونه.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۲۰-۷۹-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: اسفرورین
موضوع: Esfarverin (Iran)
ده بندی کنگره: DSR۲۰۷۳
ده بندی دیویی: ۹۵۵/۳۶۴۳



نام کتاب: از کلاگا تا عمارت

نویسنده: سیدعلی اصغر حسینی نژاد

نام نشر: پیدار

نوبت چاپ: ۱۴۰۰ اول

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۲۰-۷۹-۹

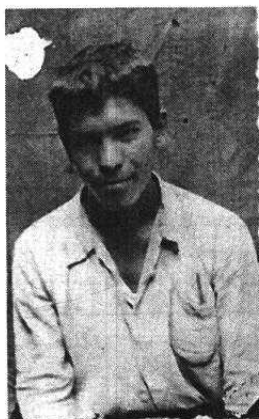
قیمت: ۸۳۰۰۰ تومان

مندرجات

- پیش گفتار..... ۶
- چه خوب گذشت.....
- هم بازی و بازی ها..... ۹
- چاقال وازی..... ۱۱
- پدرم..... ۱۲
- از کلاگا تا عمارت..... ۱۶
- مدرسه شروع شد..... ۲۵
- اطلب العلم ولو بالصین..... ۲۷
- چوپانی نقش دیگر اولاد ارشد..... ۲۸
- اولین عکس..... ۳۰
- مادر، پنجه در پنجه بیماری و یک خاطره..... ۳۱
- راه طولانی..... ۳۴
- پاین سیکل اول..... ۳۵
- عشق لاتی و کمی هم نخور و از خود راضی..... ۳۷
- هوا بس ناجوانمردانه سرما بود..... ۴۰
- سه عکس خیلی یادگاری در دوران دبیرستان..... ۴۳
- سربازی و خاطره فراموش نشدنی..... ۴۴
- برای بودن!..... ۴۸
- تاتی گپ بز نوم..... ۴۹
- سرتکو..... ۵۱
- لاوی لت..... ۵۳
- به یاد ماندنی از آبادی من اسفروین..... ۵۴
- از سازنده رمضون تا گرامافون..... ۶۲
- لحیم گری..... ۶۵

۶۶.....	حاجیم بافی
۶۹.....	گیوه بافی.....
۷۰.....	گل دوزی.....
۷۰.....	خلت پودن.....
۷۲.....	۱۲ رنگ.....
۷۲.....	پیوند زبان قاتی با دیگر زبانها.....
۷۶.....	نقل.....
۸۵.....	پیشه های کهن شناخته شده و دیر آشنایان.....
۱۰۲.....	شعر قاتی.....
۱۰۳.....	اولین!.....
۱۱۱.....	اولین خانه معلمان شهرستان ابهر.....
۱۱۴.....	نگارنده و آثار فرهنگی.....
۱۲۷.....	اسفروزیین نامه.....
۱۳۰.....	خوش آمد گوئی، معرفی و آشنائی.....
۱۳۷.....	اندر حکایت آن ۱۰ روز.....
۱۳۹.....	دو پای ۳۰ ساله.....
۱۴۱.....	آخرین صعود.....
۱۴۴.....	شاید دفتری دیگر.....
۱۴۶.....	اندر خم یک کوجه ایم.....
۱۴۷.....	صفحه آخر.....
۱۴۸.....	نامونابو.....

پیش گفتار:



روزی از آن روزها

اندیشه های زیادی مرا بر آن داشت تا آنچه که در مخیله دارم، نه برای دیگران که از کنار آن بی تفاوت خواهند گذشت، برای خودم، حاصل ۷۵ سال از عمرم سپری شده ام را مانا و ماندگار سازم. لحظاتی که توان نوشتن دارم، هنوز مشاعر فکری ام یارای تکرار و تمیز آن روزگار را دارد، در مجموعه ای گرد هم آورده تا در ریزومه فرهنگی ام جای خوش کنند و دیگری که میروند آنان را به بوته فراموشی بسپارند، بار دیگر نامی و یادی در خوانندگان این متون ایجاد کند تا ناملایمات امروز زمان را با دیروز در مقام مقایسه قرار دهم و به قضاوت بنشینم در یک نگاه از بالا، بر

فرهنگ حاکم در جامعه با اصطلاح شهریمان تفاوت چشم گیری با آبادی من در ذهن هر بیننده متفکر و جستجوگر ایجاد نمی شود و پیشرفت بزور نامی بتانسیل های بالقوه در نونهالان و جوانان دیده شده نه پشتیبانی، بلکه بنوعی سرکوب شده اند و باید تلاش بر آن شود تا این دست سرکوبگر خود را بنمایاند و مسیر اقتصادی و عمران و آبادی و فرهنگی و اجتماعی راه را بر آنان هموار سازد تا پشت دست اندازهای ساختگی نماند.

فرصت پیش آمده را مغتنم و با بیان دلگویه های دیگر مخالفین به سهو و یا عمد به چالش کشیده شوند. براین باور که روزی ما نیز در تغییرات شهری حرفی برای گفتن و بیان مفاخر و تاریخ کهن خود با قدمت و دیرینه گی میراث ها، خود را بنمایانیم که درب این اتفاق مبارک هرگز گشوده نشده است و در راهی بس ناهموار و پر پیچ و خم، قفل سنگینی را در پشت دروازه شهری بودن که نامش را به یدک میکشد، بر آن سایه افکنده است.

